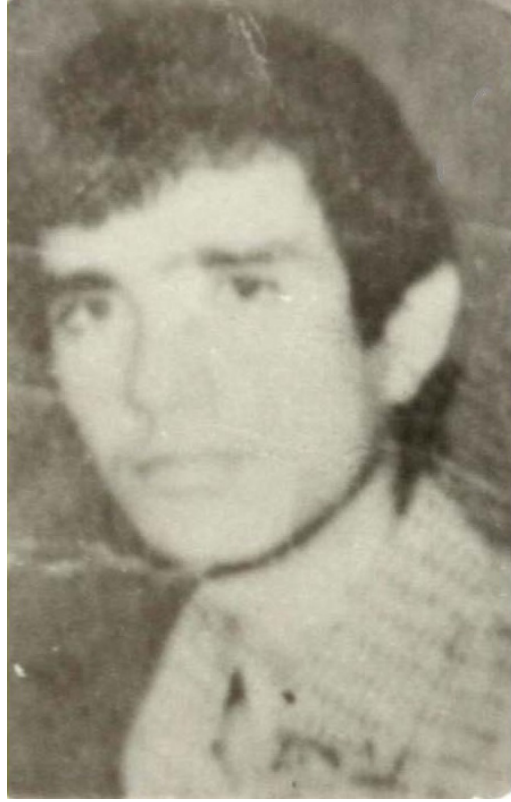


شهيد عبدالرسول باميري



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

محمد	نام پدر
۱۳۴۴/۰۷/۱۰	تاریخ تولد
بوشهر - دشتی	محل تولد
۱۳۶۲/۰۱/۲۲	تاریخ شهادت
فکه	محل شهادت
رزمنده	مسئولیت
بسیج	نوع عضویت
دانش آموز	شغل
دوره دبیرستان	تحصیلات
بامنیر	مدفن

زندگینامه

شهید عبدالرسول بامیری در مرداد ماه سال ۱۳۴۴ در دامان خانواده ای پاک و متدین دیده به جهان گشود و پرورش یافت. دوره ابتدایی را در همین روستا گذراند. آغاز دوره راهنمایی وی همزمان با شروع انقلاب اسلامی بود. پس از اتمام دوران ابتدایی دوره راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شهید بهشتی کاکلی گذراند و در سنگر علم و دانش کوشید و از همان زمان اوایل تحصیل عضو فعال انجمن اسلامی و مدرسه بود و جز سنگر علم و دانش انجمن اسلامی را با همکاری دیگر برادران روستا در زادگاهش تشکیل داد وی دانشجوی نمونه اخلاق مذهبی بود. در مناسبت های ویژه مسئولیت مراسمات و جشنواره ها را بر عهده داشت و عاشقانه برای انقلاب و امامش سر زیا نمی شناخت و بدون هیچ چشم داشتی در راه انقلاب و امام گام بر می داشت. علاقه وافر به امام داشت و همیشه آرزوی آن را داشت که امام (ره) را از نزدیک زیارت نماید و تا دوم متوسطه را در دبیرستان هجرت کاکلی گذراند و سپس در روستا پایگاه مقاومت بسیج را با دیگر برادران تشکیل داد. عشق و علاقه به جنگ و امام او را لحظه ای آرام نمی گذاشت به همین دلیل جهت گذراندن آموزش در سال ۱۳۶۱ عازم پادگان آموزشی کازرون گردید تا اینکه در تاریخ ۲۸/۱۱/۶۱ با دیگر یارانش روانه جبهه های حق علیه باطل گردید. شور و علاقه خاص جبهه های جنگ داشت. سپس در تیپ المهدی گردان فاطمه الزهرا (س) اعزام گردید و پس از دو ماه جهاد و تلاش در تاریخ ۲۲/۱/۱۳۶۲ در عملیات والفجر مقدماتی مفقود الاثر گردید پس از دوازده سال تفحص و جستجو نیروهای فعال پیکر پاک و مطهرش را در جمع دیگر یاران مفقودش یافته و آنگاه در زادگاهش در جوار دیگر شهیدان قرار گرفت.

مختصری درباره پدر و مادر شهید بامیری

پدر شهید بامیری، محمد متولد ۱۳۰۶ ساکن بامنیر فردی زحمت کش و دارای روحیه معنوی بالا بود. کار او کشاورزی و دامپروری بود و او مردی روستایی راستین و پاکدل بود. خانه او منزلی با صفا و صمیمی برای همسایه ها و اهالی روستا بود. دوستدار اهل بیت بود و با بضاعت کم، مراسم عزاداری برگزار می نمود. او دوازده سال در انتظار پسر مفقود الاثرش بود که عاقبت عبدالرسول همچون کبوتری سبک بال به سوی وطن برگشت و پدر وی هم در تاریخ ۶/۳/۸۰ جان را به جانان تسلیم و دار فانی را وداع و در روضه رضوان به فرزند خویش شتافت.

مادر او در کنار پدر به کار کشاورزی و دامداری می پرداخت و خانه داری می نمود تا توانست فرزندی همچو عبدالرسول تربیت و در راه اسلام و انقلاب و ناموس و دین خود تقدیم نماید. او هنوز در قید حیات می باشد و در روستای بامنیر زندگی می کند.

وصیت نامه

یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی ایران نقش حساس شهادت در پیروزی و تداوم آن است و این همان بعدی است که تا کنون برای ابر قدرت ها و دشمنان انقلاب ما مجهول مانده و آنان با جهان بینی مادی خود برای همیشه از شناخت واقعیت جهان معنوی آن عاجزند ، شهادت میراث ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین و اولیا خداست که به امت مسلمان رسیده و برای انسان مرحله ای از فوز و کمال وجود دارد که بدون شهادت امکان رسیدن به آن نیست . من شکر خدا کی کنم که قدری مهلتم داد تا این راه را انتخاب کنم شهادت درسی است که حسین (ع) به مسلمانان آموخت و ما باید تداوم دهنده راه شهدا باشیم و نگذاریم تا خون شهیدان به هدر برود باید راه شهدای به خون غلطان گربلای را ادامه دهیم و درسی که حسین به ما آموخته است در ذهنمان ثبت کنیم و پیام به مردم شریف ایران مردمی که با نثار خونشان درخت اسلام را آبیاری می کنند این است که هر چه بیشتر بسوی جبهه ها بشتابید و نگذارید دیگر برادران رزمنده مان خسته بشوند .

همانطوریکه که امام هم فرمودند بسوی جبهه ها جوانمردانه هجوم آورید و دوم اینکه امام را تنها نگذارید فرمان امام عزیزمان گوش کنید و حرف (سخنان) آن بت شکن قوی که حضرت امام خمینی باشد عمل کنید تا می توانید امام را دعا کنید و از ایزد متعال بخواهید هر چه زودتر حضرت مهدی (عج) ظهور کند . آری امام مهدی بس عظیم است ، وی باعث شد دنیا از خواب بیدار شود و انسانیت را دوباره یاد آورد ، خوشحالم که جانم را نثار اسلام و مکتب محمد (ص) و علی (ع) می کنم و افتخار می کنم و افتخار می کنم که ایدئولوژیم اسلام است اسلامی که به من می فهماند چگونه ببینم و چگونه راهم را انتخاب کنم در واقع من از زمانی که توانستم به راه واقعی اسلام بیایم که پا یکی از ارکانهای انقلاب اسلامی که آن انجمن اسلامی محله مان بود نهادم و از وجود درونی آن استفاده کنیم ، و بهتر به مکتبم آشنا شوم تا آنجاییکه خون را نثار این مکتب می کنم ، قلبم روشن است که اسلام پیروز می شود و باید پیروز شود در راه پیروزیش کوشی کنید ای برادران خونی و پدری و ایمانی .

بدانید که من راه خود را انتخاب و از قید و بندها رها شده ام و آرزوی شهادت را در سر می پرورانم زیرا که اساس این جمهوری مقدس بر خون جوانان استوار و پایدار شده است . ما با کمال میل به جبهه مقدس که برای پیروزی اسلام است می رویم و چون ما به خودمان تعلق نداریم یعنی خلق نشده ایم تا راحت طلب باشیم و یا در پی آسایش دنیوی باشیم نه این ارزشی ندارد ما خلق شده ایم تا آزمایش شویم و اساسا این جهان آزمایشی بیش نیست و زندگی جاوید در آن جهان است . درخت انقلاب اسلامی برای سیراب شدن احتیاج به خون دارد امامان هل ناصر ناصر اَی نصرنی و صدا می زند بر ملت مسلمان ایران واجب است که در این پیام امام لبیک بگویند و این درخت را با خون خود سیراب کند .

وصیتم به شما پدر جان و مادر مهربان که من در آغوش می گرفتی این است که راه من را ادامه بدهید چه از راه کمک به فقیران و درماندگان و می دانم که خودت از همه محتاج تری ولی بخوبی بدانی که خداوند یاری دهنده محتاجان است .

برادرم قاسم راه خدا بهترین و برترین راههاست پوینده و کوشنده در این راه باش و اگر من به شهادت رسیدم اگر لیاقت داشته باشم من در کنار دیگر برادران در بامنیر در کنار شهید حسین زارعی بخاک سپارید ، آرزوی طول عمر امام و ظهور حضرت مهدی (عج)

والسلام

شهادت همه انسان ها را نمی پذیرد و انسان وارسته می طلبد و این جنگ امتحان بود برای همه مردم سخنان و شعارمان ، خود برای مقابله با ستمگران در عمل به اثبات رسانند.

((از گفته های شهید بامیری))

مصاحبه

مصاحبه با مادر شهید

ضمن تشکر از شما و خانواده محترم خواهشمند است در پاسخ به سؤالات و احتمالاً و چنانچه نکات جالبی به ذهنتان می رسد ارائه بفرمایید .

□ تحصیلات شهید در چه پایه‌ای است و در کدام مدارس تحصیل نموده اند ؟

□ دوم متوسطه و در دبیرستان هجرت کاکلی و در مدرسه راهنمایی ارشاد کاکلی تحصیل نمودند .

□ دوران نوجوانی شهید چگونه گذشت ؟

□ دوران نوجوانی دانش آموز ممتاز بود و در همه فعالیت ها شرکت می کرد و جوانی فعال و با ایمان بود و با صداقت بود و با شورای محل همکاری می کرد و همچنین عضو انجمن اسلامی بود .

□ شهید به چه ورزش هایی علاقه مند بود؟ چند تن از همبازیان او را معرفی نمایید .

□ فوتبال ، – عباس قلندری ، غلامرضا غلامی و علی سبز

□ شهید چگونه و از طریق چه ارگانی به جبهه اعزام شدند ؟ (خاطرات روز اعزام شهید را بیان کنید)

□ از طریق بسیج نینوای بادوله ، شبانه کیف و بار را برداشت و برد که خانواده اش خواب بوده اند و خبر نداشتند که فرزندشان کجا رفته و صبح موقع رفتن ابتدا در امامزاده بامیر زیارت کرده و سپس اعزام شده .

□ شهید در چه عملیات هایی و در چه منطقه هایی شرکت داشته است

□ فکه ، والفجر مقدماتی و تیپ ۷۵

□ اخلاق شهید در دوران جوانی چگونه بود ؟

□ خیلی خوش اخلاق بود و با دوستانش مهربان وقتی اختلافی بین مردم پیش می آمد او اختلاف آن ها را حل می کرد .

□ برنامه هایی که شهید برای آینده خویش داشت بیان فرمایید .

□ برنامه او این بود که در آینده می خواست معلم بشود و می خواست که در روستای خود تعاونی و خانه بهداشت و مخابرات بسازد .

□ چگونه و در چه تاریخی شهید به شهادت رسیدند ؟ (خاطراتی از آن روزها را بیان فرمایید .)

□ ایشان در ابتدا زخمی شده بودند و تا ۲۴ ساعت نیز زنده بودند و بعد به شهادت رسیدند و در تاریخ ۲۴/۱/۶۲ به شهادت رسیدند .

□ عکس العمل شما و خانواده در قبال شنیدن خبر شهادت فرزندان چگونه بود ؟

□ وقتی خبر شهید شدن پسر م را شنیدم خیلی خوشحال شدم چونکه در راه اسلام و دفاع از میهن خود به شهادت رسیده بود .

□ شهید هنگام شهادت با چه کسی هم رزم بود ؟ معرفی فرمایید .

□ عباس قلندری و غلامرضا غلامی

□ شوق شهادت را در ایشان توصیف فرمایید.

□ شوق بسیاری برای رفتن به جبهه داشت تا در این راه برای اسلام بجنگد و شهید شود .

مصاحبه با برادر شهید

□ ضمن معرفی خود بفرمایید برادران با شما چند سال اختلاف سنی دارد ؟

□ اینجانب قاسم بامنیری ، فرزند محمود و در سال ۱۳۵۰ متولد شدم و با برادر شهید خود ۶ سال اختلاف سنی دارم .

□ شهید چگونه و در چه تاریخی به جبهه اعزام شدند همزمان وی و خاطره هایی از آن روزها بیان فرمایید ؟

□ بسیج در تاریخ ۲۸/۱/۱۳۶۱ به جبهه اعزام شدند و همزمان وی علی سبز ، غلامرضا غلامی و حمید سبز بودند .

□ شهید به چه فعالیت هایی علاقه داشتند خاطراتی را در این زمینه بیان فرمایید ؟

□ شرکت در راهپیمایی و مراسمات انقلابی

□ روحیات شهید در دوران انقلاب و قبل از انقلاب چگونه بود ؟

□ وی در زمان قبل انقلاب مخالف شاه و نظام شاهنشاهی بود و در راهپیمایی ها شرکت می کرد .

□ در کدام عملیات ها شهید شرکت داشتند و چنانچه شما نیز با وی همراه بوده اید خاطره هایی از آن روزها بیان فرمایید .

□ عملیات والفجر مقدماتی و فکه

□ برادر شهید بودن چه حسی دارد و افتخار آن را برای ما بازگویی فرماید ؟

□ افتخار می کنم برادر شهید هستم ، شهیدی که جان خود را فدای اسلام کرده است .

خاطرات

خاطره ای از زبان دوستان شهید :

اینجانب احمد زارعی در دوران تحصیل در دبیرستان شهید بهشتی کاکي مسئول انجمن اسلامی دبیرستان بودم و از سال تأسیس دبیرستان سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۳ برگزاری فعالیت های فرهنگی مدرسه را به عهده داشتم دانش آموزان که خودشان در مدیریت و راه اندازی دبیرستان سهیم بودند در فعالیت های فرهنگی هم نقش اول ایفا می کردند .

شهید رسول بامیری هم از اعضا اصلی و فعال دبیرستان بود با وجودی که ایشان یک سال تحصیلی از ما عقب تر بود ولی فعالانه در انجمن اسلامی فعالیت می کرد و در قسمت های مختلف انجمن اسلامی از جمله اجرای مراسم صبحگاهی نوشتن پارچه و پلاکارد برگزاری نمایشگاه کتاب و عکس ، دیوار نویسی و انجام مسابقات فرهنگی ، تبلیغ برای اعزام نیرو به جبهه و جنگ حضور فعال داشت و بنده در جلسات انجمن اسلامی کارهایی که نیاز به شور شوق و حوصله بیشتر داشت را به آقای بامیری می دادم و ایشان با تمام توان انجام می دادند .

بنده سعادت همراهی ایشان در جبهه را نداشتم ولی هنگامی که ایشان به جبهه اعزام شدند و در طول دوران دفاع مقدس مفقود الاثر شدند مرتب جویای ایشان بودم و از رزمندگان همرمز ایشان سراغ ایشان را می گرفتم و خیلی متأثر و ناراحت بودم تا اینکه بالاخره پیکر مقدس او پس از سال ها دوری از وطن به محل برگردانده شد و من در آن تشییع جنازه شرکت داشتم و یادآور خاطرات دوران تحصیل شدم .

روحش شاد و یادش گرامی و راهش پر رهرو باد .

سجایای اخلاقی شهید

شهید عبدالرسول بامیری فردی با تقوا ، هوشمند مبتکر و در عین حال متواضع و فروتن بود و در شرایط سخت ، صبر و بردباری را از دست نمی داد . شجاعت او زبانزد بود . شهید از یک روحیه سلحشوری و حماسی بسیار عظیمی برخوردار بود .

از آگاهی عمیق به مسائل سیاسی و اجتماعی برخوردار بود در انجام کارها و تصمیم گیری ها دقت نظر خاصی داشت . اهل تدبیر و تعمق بود . همواره مردم را به وحدت و هماهنگی دعوت می کرد و در این زمینه از هیچ کوشش دریغ نمی کرد هر جا که به او نیاز بود با روحیه بالا پذیرا بود او فردی صبور و با حوصله بود کارهایی که حوصله زیاد می خواست دوستان وی به او واگذار می کردند . در تمام کارها فقط رضای خدا را در نظر داشت و همه تلاش ها برای جلب حضرت حق بود .

احترام خاص به والدین داشت همیشه کمک حال پدر و مادر بود عاشق حضرت امام (ره) بود و تبعیت از ایشان را واجب می دانست . اهل مطالعه بود و همواره در جریان مسائل سیاسی قرار می گرفت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) عشق می ورزید و محبت مخلص اهل بیت بود .



سامانه جامع سرداران و دوازدهمین استان بوئسهر